

آیا راهی برای جلوگیری از گسترش تولید بمب اتمی هست؟

مصاحبه با نوام چامسکی
برگردان: ناهید جعفر پور

کره و مسائل بین المللی. بخش سوم

Sun Woo Lee با Noam Chomsky مصاحبه
JoongAng / 26.01.2006

سئوال : بنظر شما چگونه باید با مشکل تسلیحات اتمی کره شمالی برخورد نمود؟

جواب: یک راه وجود دارد. آنهم راهی ساده برای حل این مشکل. در واقعیت هم نزدیک بود این راه عمل کند. سال ۱۹۹۴ پیمانی بسته شد تا آنجائی که ما اطلاع داریم قرار شد گسترش تسلیحات هسته ای در شمال کره متوقف شود. در مقابل کشورهای اروپائی و از همه مهمتر آمریکا قول دادند که به آنها در گسترش تاسیسات اتمی برای تامین انرژی کمک کنند. سپس دولت بوش آمد سر کار و آنها را تحریک نمود و گفت ما به شما حمله نظامی خواهیم نمود. بلکه این پایان آن پیمان و آن قرار مدارها بود. در این صورت کره ای ها هم شروع به غنی ساختن اورانیوم برای ساختن بمب اتم نمودند. تا چه حد پیش رفته اند ما نمی دانیم. اما راه هائی وجود دارد که از بروز خطر جلوگیری نمود. شما می دانید هر چیزی امکان پذیر است و راه ها بسته نیست. نباید نشست تا همه چیز آنطوری پیش رود که نباید رود. باید احتمال تولید تسلیحات اتمی را به حداقل رساند. راه های زیادی برای این کار وجود دارد. یکی از راه ها این است که آن پیمان را دوباره از سر گرفت. وقتی دسترسی به انرژی اتمی را برای آنها سهل نمود از عصبیت برای ساختن بمب اتم خواهیم کاست. از همه مهمتر باید از تهدید کردن دست برداشت.

سپس مشکلاتی وجود دارند که خیلی پیچیده ترند. مثلا بزرگترین مشکل، مشکلی است که همواره از سوی محمد البرادى که همین اواخر جایزه صلح جهان را گرفت انکار می شود. اینکه تا زمانیکه تولید اورانیوم غنی شده آماده برای ساختن بمب اتمی انجام می پذیرد، بمب اتم هم ساخته خواهد شد. بنابراین برای اینکه خطر ساختن بمب اتم را به حداقل برسانیم باید دو مسئله را توجه کنیم: اول اینکه کنترلی بین المللی بر تولید اورانیوم غنی شده داشت و بانکی به وجود آورد که تمامی ابزار غنی سازی و همچنین اورانیوم غنی شده جهان آنجا ذخیره گردد و تولید شود و اگر کشوری برای اهداف قانونی احتیاج داشت (انرژی هسته ای) در اختیار آن کشور قرار داده شود. تقریبا از تاریخ ۱۹۹۳ این پیشنهاد به جامعه بین الملل داده شده است اما آمریکا همواره آنرا بلوکه کرده است.

بالاخره در نوامبر ۲۰۰۴ به رای گیری کشیده شد و به احتمال قوی این خود مهمترین رای گیری بود که سازمان ملل متحد تا کنون انجام داده است. نتیجه این رای گیری ۱۷۴ به ۱ بود. آمریکا رای مخالف داده بود. دو کشور رای ندادند: اسرائیل و بریتانیا

حرف اسرائیل انعکاس حرف آمریکا بود. به این خاطر هم رای نداد. اما بریتانیا جالب تر بود. سفیر بریتانیا در این نشست سازمان ملل متحد گفت که چرا رای نداد. اینکه بریتانیا با این پیمان موافق است اما با طریقه ای که این پیمان فرموله شده است مشکل دارد. در هر حال رای گیری ۱۷۴ به یک بود و بریتانیا جانب آمریکا را گرفت. این مسئله نشان دهنده این است که تونی بلیر چگونه می اندیشد. ادامه زندگی انسانها برای تونی بلیر ارزشش بسیار کمتر از اطمینان خاطر برای قدم زدن در مزرعه جرح بوش است. البته در آمریکا در باره این مسئله هیچ جا گزارشی داده نشد. نمیدانم آیا در کره جنوبی در باره این مسئله گزارشی داده شد یا نه. در واقع این مسئله می توانست به از بین بردن تسلیحات اتمی بیانجامد. همچنین البرادى هم برای یک اقدام دوم اصرار داشت: توافق بر روی قرار داد منع تسلیحات اتمی. به این صورت که دولت هائی که تسلیحات اتمی ندارند قبول کنند که تسلیحات اتمی نسازند و کشورهای دارای تسلیحات اتمی قول دهند که تسلیحاتشان را از بین ببرند. آیا آنها این چنین کردند؟ هیچکس این کار را نکرد. به آمریکا هم اعتمادی نیست. آمریکا برای اولین بار تحت رهبری بوش می گوید که بندهای این پیمان شامل حال آمریکا نخواهد

بود.

خوب حالا، اگر کشورهای دارای تسلیحات هسته ای دین خود را نسبت به این پیمان عمل نکنند، کشورهایی هم که تسلیحات هسته ای ندارند این کار را نخواهند نمود. شاید نتوانیم موفق شویم جلوی فجایع زیست محیطی را در جهان بگیریم اما خطر تسلیحات اتمی را خیلی ساده می توان به حداقل رساند. کشورهای اتمی چون آمریکا باید قراردادهایی را امضا کنند حتی اگر شده توسط حکم دادگاه بین المللی که طبق آن موظف باشند تسلیحات اتمی خویش را از بین ببرند. ما درست عکس آنرا انجام می دهیم. به این صورت که باید کنترلی بین المللی بر تولید ابزاری که برای ساخت تسلیحات اتمی ضروری است وجود داشته باشد. این مسئله باعث می شود که خطر اتمی تا آنجا که ممکن است از بین برود. افزون بر این باید اقداماتی شود تا تسلیحات اتمی که در حال حاضر وجود دارند از بین برده شوند تا خطری را ایجاد نکنند. تا زمان آمدن دولت بوش این امید وجود داشت و پیشرفتهایی هم در این رابطه حاصل شده بود. اما با آمدن بوش همه چیز پایان یافت. این ها مشکل های قابل حل می باشند و سرنوشت جهان بسته به این اقدامات دارد. فجایع زیست محیطی دراز مدتند و ما نمی دانیم که مشکلی قابل حل خواهند بود یا نه. اما مطمئنا کارهایی هست که باید در این رابطه انجام پذیرند.

سوال: شما در باره تقسیم شبه جزیره کره چه فکر می کنید؟ چگونه می توان اختلافات کره جنوبی و آمریکا را از یک سو و تلاش های کره جنوبی برای آشتی مجدد با کره شمالی را از سوی دیگر حل نمود؟

جواب: کره جنوبی در یک موقعیت مشکل قرار گرفته است. از یک سو باید مثل هر کشوری دیگر به روابطش با آمریکا برسد و از سوی دیگر باید تهدیدات امنیتی اش را تقلیل دهد و وضعیت زندگی اش را بهبود بخشد و این دو کار در مسیر های متفاوت باید صورت پذیرند. کره جنوبی تنها کشوری نیست که در مقابل این وضعیت قرار گرفته است. برای مثال ایرلند را در نظر می گیریم. دولت ایرلند به آمریکا اجازه داده است که از فرودگاه بزرگی برای فرستادن ارتش و ابزار جنگی به عراق استفاده کند و به احتمال قوی برای " تحویل جنس " این جمله ایست که در ایرلند برای شکنجه بکار می برند. در حال حاضر بحث مهم ایرلند همین است که آیا دولت این اجازه را می دهد؟ دولت ایرلند می گوید " در آنجا یک غول بسیار بزرگ است که بسیار خطرناک است و ما نباید او را عصبی کنیم". ما در مقابل یک انتخاب قرار گرفته ایم. آیا ما در این شکنجه ها و حمله های جنگی همراهی می کنیم زیرا که نمی خواهیم باند های مافیائی را عصبی کنیم؟ من فکر می کنم راه دیگری هم وجود دارد. مشکل در خود آمریکاست. ما مردم آمریکا باید این تهدیدات را پس بگیریم بعد از کشورهای دیگر انتظار داشته باشیم که تصمیم گیری کنند. در غیر این صورت کره و ایرلند و هر کشور دیگری در مقابل تصمیمات مشکل قرار خواهند گرفت.

سوال: شما در باره فروپاشی سوسیالیسم شوروی چه فکر می کنید؟

جواب: اول اینکه فروپاشی سوسیالیسم به وقوع نپیوسته است. زیرا که شوروی سوسیالیسم نبود و سوسیالیسمی در این کشور انجام نپذیرفت. در واقع هم آنزمان من نظرم را نوشتم که این سکتة شوروی پیروزی کوچک برای سوسیالیسم بود. من اگر بخواهید در این باره بیشتر توضیح می دهم.

سوال: این مسئله ای که این چنین انعکاسی منفی از نئولیبرالیسم است که ثروتمندان ثروتمند تر و فقیران فقیر تر می شوند در کره هم هر روز جدی تر می شود. شما به نئولیبرالیسم انتقاد کرده اید. چه بدیل هایی شما می بینید؟

جواب: چیزی که به نئولیبرالیسم ربط پیدا می کند خیلی ساده تصمیمات سیاسی هستند. این تصمیمات بسیار زیان آور بوده اند. کره جنوبی رشد کرده است و پیشرفت نموده است زیرا که به بنیان های نئولیبرالی توجه ای ننموده است. این گونه کشورها مانند کره جنوبی، تایوان و چین رشدی بی حد داشته اند. کشورهایی که

قوانین نئولیبرالی را در نظر گرفته اند چون آمریکای لاتین وضعیتی غمناک داشته اند. نئولیبرالیسم یک حقه اقتصادی است و حمله ای بزرگ به دموکراتی است. در واقع هدف نئولیبرالیسم مدفون کردن اختیارات دولت هاست.

آیا بدیل هائی وجود دارند؟ صد در صد بدیل هائی وجود دارند. ما این بدیل ها را می شناسیم. اولین ۲۵ سال بعد از جنگ جهانی دوم برنامه های نئولیبرالی وجود نداشت. زمان زیادی از آن زمان نگذشته است. در واقع هم آن زمان در تاریخ اقتصاد روند بیسابقه رشد بود. همه جا سیستم رفاه گسترده بود و کره جنوبی هم این دوره را می شناسد. از آنجا که قوانین نئولیبرالی رد می شد، درجه رشد بالا بود. این خود یک بدیل است. و بالاخره زمانی که کره جنوبی بطور واقعی به بنیان های نئولیبرالی گردن نهاد و بازار مالی اش را لیبرالیزه کرد سپس چند سال بعد فروپاشی بزرگ مالی دچار شد. به احتمال قوی این واقعه اتفاق می افتد زمانی که کشورها از قوانین نئولیبرالی پیروی کنند. بنابراین بهترین بدیل این است که این قوانین را رد نمود و از قوانین عاقلانه پیروی نمود. قوانینی که از زمان های بسیار قدیم شناخته شده اند و امروز هم از سوی کشور هائی که قوانین نئولیبرالیسم را رد کرده اند اجرا می شود. برای مثال به آمریکا نگاه می کنیم. بخشا آمریکا از قوانین نئولیبرالی پیروی می کند. نتیجه این شد که آمریکا بدترین روند اقتصادی را در ۲۵ سال گذشته داشته است. مزد حقیقی بخش بزرگی از مردم آمریکا سقوط کرده است این قبلا وجود نداشت. از سوی دیگر باید از خود سؤال نمود که آیا همه بخش های دولتی آمریکا از این قوانین پیروی می کنند؟ اقتصاد آمریکا بشدت به بخش های دولتی وابسته است. از کجا کامپیوتر، انترنت، هواپیما، کشتی های باری و یا لزر آمد؟ این گونه چیزها مسلما از بخش های دولتی آمریکا آمد. بخشی (ام ای ت) که این چیزها را آورده است به بخش خصوصی وابسته نیست و دولتی است.

سؤال: این کاملا شناخته شده است که آنها خود را سوسیالیست های آزاد منش می دانند و هواداران آنارشی - سندیکالیسم هستند. آیا آنها تا حالا تلاش کرده اند ایده سوسیالیسم آزاد منش و آنارشی - سندیکالیسم را بطور اجتماعی پیاده نمایند و جامعه ای بسازند جز اینکه کتاب ها نوشتند و مقالات منتشر نمودند؟

جواب: افراد که نمی توانند اجتماعی را بنیان کنند. آنها تنها می توانند کمک کنند که پایه های یک جامعه آزاد اندیش ساخته شود. این مسئله به شکل های متفاوت صورت می پذیرد. در چنین جامعه ای کارگران باید کنترل بر صنایع را بعهده بگیرند. در چنین جامعه ای اجتماعات خودمختار می باشند و مثلا امروزه جنبش های مردمی وجود دارند که تنها برای دموکراسی و آزادی فریاد می زنند. تمامی این ها، قدم ها و تلاش هائی است که قدرت کنسرن ها را محدود می سازد. تمامی این قدمها جامعه را بسوی یک جامعه آزاد با همکاری های اجتماعی می کشاند. هیچ چیزی در جهان وجود ندارد که بخواهیم تنها با تکان دادن یک انگشت بدست آوریم. آدم ها می توانند هر جا که باشد جامعه ای به وجود آورند که تنها ۲۵ نفر عضو باشند و اینطوری زندگی کنند. خیلی خوبه اما هیچ تاثیری روی دیگران ندارد. از این رو مقالات و سخنرانی های من سازماندهی شده اند.

سؤال: چگونه و تا چه مدتی میتواند آمریکا در تغییر شمال شرقی آسیا نقش داشته باشد و شما در باره صعود ناگهانی چین چه فکر می کنید؟

جواب: زمانیکه ما به مقطعی دراز مدت از تاریخ نگاه می کنیم و بطور مثال تا قرن ۱۷ یا ۱۸ به عقب نگاه می کنیم، بعد می بینیم که مراکز رسمی و مراکز صنعتی جهان چین و هندوستان بوده اند و در واقع پیشرفته ترین کشورهای جهان بوده اند. ژاپن مثلا استاندارد سلامتی و بهداشتش بسیار بالاتر از اروپا بوده است. در آن زمان اروپا در شرایطی همراه با بربریت قرار داشت. اما در فاصله دو قرن بعد اروپا بخش اعظم جهان را فتح نمود. من در این باره خیلی فکر می کنم که چه می شود که تاریخ چنین به عقب برمی گردد. درست عین همان زمانها یک دفعه چین مجددا رشد می کند. تمدن چینی و تمدن هندی هزاران سال قدمت دارد. در حالیکه اروپا خیلی جوان است. اروپائی ها در ابتدا اقوام و قبیله هائی بودند که یکجا ساکن نبودند. منظور من این است که چین امروز اگر بطوری عاقلانه محاسبه کنیم و چیزی را که به نام قدرت خرید

است در نظر بگیریم ، دومین اقتصاد بزرگ جهانست. من اشاره کردم که هندوستان هم در حال صعود است. اما باید توجه نمود که هر دو این کشورها مشکلات عظیم دارند. یعنی آنها مشکلات غیرقابل تصویری چون فقری گسترده ، نابرابری و انهدام محیط زیست داخلی دارند. اما چین و هندوستان قوی هستند و وابسته به سرمایه گذاران خارجی می باشند. زمانیکه ما به صادرات چین نگاه می کنیم، بخش بزرگی از این صادرات به سرمایه گذاران خارجی تعلق دارند. بخشی از سوی چینی هائی که در خارج زندگی می کنند که باز هم به جهان چین تعلق دارند ولی بخشی دیگر را هم سرمایه گذاران آمریکائی و اروپائی در اختیار دارند.

وقتی شما به بخش (های - تک) نگاه کنید می بینید که این بخش چه گسترده است. آنها ذخیره های عظیم مالی دارند. درست امروز صبح یا دیروز آنها گزارشی جدید در باره ذخیره تخمینی مالی چین بیرون دادند و به این ترتیب آنها بزودی همطراز ژاپن خواهند شد. ژاپن بزرگترین ذخیره مالی جهان را دارد. من فکر می کنم که هم در ردیف بالا قرار گرفته است.

اما شمال آسیا فعال ترین منطقه اقتصادی جهان است که رشدی سریع دارد و آنها کسانی هستند که بیشترین توسعه را داشته اند. در آنجا سه مرکز بزرگ صنعتی جهان قرار دارد: ژاپن ، چین و کره جنوبی. دلیلی که چرا کره شمالی این چنین مشکل جغرافیای سیاسی است، این است که کره شمالی اتصال سیستم شمال شرقی آسیا را قطع نموده است. زمانی که راه آهن سیبیری از کره شمالی به سوئول ادامه دارد و کره شمالی هیچ بخشی از این سیستم نیست این خود مشکل به وجود می آورد و دقیقا این مسئله یکی از دلایل چاره جوئی برای حل اختلافات است. حل اختلافات له رابطه میان آسیای شمالی و هندوستان کمک می کند و این مسئله وضعیت اقتصادی آسیای جنوبی را بهتر می کند. در حال حاضر هم آنان در تلاشند خود را توسعه دهند.

آسیای شمالی در حال حاضر به احتمال قوی نیمی از ذخیره ارز خارجی جهان را داراست. یکی از بزرگترین مشکلات آنها دسترسی به منابع انرژی است و همانطور که می دانید هم اکنون در سازماندهی آن می باشند. در چین شبکه امنیتی انرژی وجود دارد. شبکه ای که روسیه هم به آن وصل است و به احتمال قوی کره جنوبی هم با آنان همکاری می کند و شاید ژاپن و هندوستان هم همینطور.

آمریکا در باره این مسئله نگران است. این مسئله در جغرافیای سیاسی از اهمیت خاصی برخوردار است. همچنین همکاری شان گای هم وجود دارد. من نمی دانم که آیا کره جنوبی هم همکاری می کند یا نه؟ در واقع همکاری میان چین و روسیه است که احتمالا کشورهای دیگری هم جلب نموده است و به نوعی قدرتی در مقابل ناتو است. به این معنی که آنها می خواهند قدرتی در مقابل ناتو در آسیای مرکزی شکل دهند. زیرا که خودشان منافعی در آسیای مرکزی دارند و نمی خواهند که این منطقه زیر نفوذ آمریکا باشد. این ها همه توسعه ای دراز مدت می باشند. توسعه ای که مطمئنا نتایجی به دنبال خواهند داشت. منظور من این است که جهان در حال حاضر از سه مرکز اقتصادی تشکیل شده است. این سه مرکز آمریکای شمالی ، اروپا و شمال شرقی آسیاست. تنها بخشی که آمریکا از آنها پیشرفته تر است بخش نظامی آمریکاست. ادامه دارد.....